

سخنرانی هفتگی در هیئت محبین امیرالمؤمنین(ع) / قسمت دوم مباحث «تنها مسیر» - ۵

پناهیان: «شهوَت پنهان» یعنی نفس ما قانع نشده است که از خواسته‌های بدش دل بکند/ اگر اهل اعتراف به بدی‌هایمان نباشیم، کم‌کم بدی‌هایمان از دید خودمان هم پنهان می‌شود/ «شهوَت پنهان» یکی از دلایل ریزش‌ها در امت اسلامی است/ مهمترین راه برای رهایی از شهوات پنهان اعتراف مکرر به آنها در خانه خداست

با پایان یافتن بخش اول مباحث بسیار مهم «تنها مسیر» که از ابتدای ماه مبارک رمضان توسط حجت الاسلام پناهیان آغاز شده بود، بخش دوم این مباحث که شامل برخی از نکات تکمیلی و مراحل عالی مبارزه با هوای نفس است، آغاز شد. جلسات هفتگی «تنها مسیر» جمعه شب‌ها در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **پنجمین جلسه** از قسمت دوم مباحث «تنها مسیر» را می‌خوانید:

چرا انسان ظالم شبیه مظلوم است؟ / چون به قصدی ظلم می‌کند که به آن نمی‌رسد

- انسان وقتی ظالم است شبیه به مظلوم است. به تعبیر دیگر، انسان موجود ظالمی است که در عین ظالم بودن، مظلوم است. انسان وقتی به خودش ظلم می‌کند، از یک زاویه دیگر، می‌شود گفت که مظلوم و ستمیده است. چرا انسان ظالم شبیه مظلوم است؟ چون او به یک قصدی ظلم می‌کند و معصیت انجام می‌دهد که به آن قصد نمی‌رسد. امام حسین(ع) می‌فرماید: «هر کس بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد، دیرتر به آرزویش خواهد رسید و زودتر به خطر می‌افتد؛ مَنْ خَولَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَقْوَمَ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ» (کافی/ ۳۷۳/۲) کسی که ظلم می‌کند در واقع اشتباه کرده و وقتی گناه می‌کند نتیجه‌ای که می‌خواهد را از گناهش به دست نمی‌آورد، لذا به تعبیری می‌شود گفت دچار سوء تفاهم است. از این بابت قابل ترحم و دلسوزی است.
- وقتی انعام ظلم، جنایت و گناهی انجام می‌دهد، خودش به تعبیری مظلوم است. البته این چیزی از جرم گنهکار و ظلم جنایتکار کم نمی‌کند، ولی خوب است لاقلاً هر کس گاهی اوقات از این زاویه هم به خودش نگاه کند؛ یعنی درباره خودمان این تصور را داشته باشیم که آن وقت‌هایی که به زعم خودمان با زرنگی منفعت ناسالمی را نصیب خودمان می‌کنیم، در واقع داریم سر خودمان را کلاه می‌گذاریم. کسی که گناه می‌کند در حقیقت دارد خودش را از لذت بیشتر، محروم می‌کند و به خودش ظلم می‌کند. آدم باید دلش برای خودش بسوزد. در مضامین ادعیه هست که از نفس خودمان پیش خدا شکایت می‌کنیم. در دعای دوم از مناجات‌های معروف به «خمس عشر»، امام سجاد(ع) می‌فرماید: «خدایا به تو شکایت می‌کنم از نفسی که مدام من را به بدی امر می‌کند و...؛ إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَ بِمَعَاصِيكَ مُؤَلِّمَةً...» (مفاتیح الجنان) در دعای کمیل هم که حضرت امیر(ع) به کمیل تعلیم کردند، می‌خوانیم: «هن به خودم ظلم کردم؛ الهی ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّاتُ بِحَيْلِي» (مفاتیح الجنان) اینجا بنده، مانند بچه‌ای که به خودش آسیب رسانده و دست و پای خودش را مجروح کرده است و می‌رود پیش مادرش و از خودش شکایت می‌کند، پیش خدا می‌رود و از خودش شکایت می‌کند.

فریب‌کاری ذاتی نفس انسان، یکی از عوامل پنهان کردن خواسته‌های بد پشت خواسته‌های خوب است

- در بحث مبارزه با هوای نفس پنهان باید در نظر بگیریم که یکی از عوامل پنهان شدن خواسته‌های بد و هوس‌های ما پشت سر خواسته‌های دیگر ما-که ممکن است به ظاهر خواسته‌های خوبی باشند- این زرنگ‌بازی و فریب‌کاری نفس، در ذات انسان وجود دارد. آدم ذاتاً موجودی است که می‌خواهد زرنگی کند و اگر نفس خودش را رها کند، دوست دارد سر همه را کلاه بگذارد، حتی سر خودش را هم کلاه می‌گذارد، و این به خاطر نفس مکار اوست. به جز اولیاء خدا، همه یک بهره‌ای از این زرنگ‌بازی را دارند. این زرنگ‌بازی باعث می‌شود انسان بدی‌های خود را مخفی کند.

- **انسان چون دوست دارد پیش خودش و دیگران، به عنوان یک آدم خوب شناخته شود، بدی‌های خودش را ندیده می‌گیرد و پنهان می‌کند یا اینکه بدی‌های خود را انکار می‌کند و آنها را به صورت‌های مختلف توجیه می‌کند. حتی بدی‌های خود از چشم خودش هم پنهان می‌کند. اگر انسان بدی‌هایش را از خودش هم پنهان کند، می‌شود «متکبر» و اگر بدی‌های خود را پیش دیگران پنهان کند می‌شود «ریاکار».**

انکار کردن عیوب و بدی‌های نفس، زرنگی نیست/ زرنگی این است که عیوب نفس خودمان را در خانه خدا اقرار کنیم

- این زرنگ‌بازی‌های که آدم دارد، به او لطمه می‌زند و او را عقب نگه می‌دارد. فرض کنید یک پمپ بنزینی باشد که به خاطر پاکیزگی هوای شهر، هر خودرویی که در حال بنزین زدن است، در همان‌جا معاینه فنی (تست تنظیم موتور) را هم به صورت رایگان انجام دهد و اگر ایرادی داشت یک کارتی به راننده بدهد تا هر موقع خواست به تعمیرگاه ویژه مراجعه کند و به صورت رایگان خودروی خود را تعمیر کند. اگر کسی از این شرایط استفاده نکند و با اینکه خودروی او ایراد فنی دارد، آن ایراد را انکار کند و بعد فکر کند که زرنگ‌بازی کرده است، آیا سر خودش را کلاه گذاشته است؟ چون او دارد به خودش ضرر می‌رساند.
- انکار کردن عیوب نفس زرنگی نیست، زرنگی این است که برویم به درگاه خداوند و عیوب نفس خودمان را اقرار کنیم و از خداوند بخواهیم این عیوب را درمان کند. کسی که در خانه خداوند، به گناهان و بدی‌های خودش اعتراف نمی‌کند، در واقع دارد بدی‌های خودش را از خودش هم پنهان می‌کند. انسان گاهی اوقات زرنگ‌بازی در می‌آورد یا برای اینکه به نتیجه خوب بودن‌هایش برسد عجله می‌کند و یا از روی غرور و تکبر، عیوب و بدی‌های خود را پنهان می‌کند و نمی‌گذارد موتور وجودش تعمیر شود. این انسان واقعاً بیچاره و مصیبت‌زده است و باید به حال این انسان گریه کرد. امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه علت گریه خود را همین مساله بیان می‌فرماید: چرا گریه نکنم؟ گریه می‌کنم به خاطر اینکه من وضعی برای خودم درست کرده‌ام که اگر در این وضع از دنیا بروم چه کار کنم... (فَنَنْ يَكُونُ سُوءَ خَالًا مَنِيَّ إِنَّ أَنَا نَقَلْتُ عَلَى مِثْلِ خَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أَمْهَدُهُ لِرِقْدَتِي وَ لَمْ أَفْرَشْهُ بِالْمَعْمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْمَتِي وَ مَا لِي لَا أَبْكِي وَ مَا أَذْرِي إِلَيَّ مَا يَكُونُ مُصِيبِي وَ أَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي؛ مصباح‌المتهجد/ ۵۹۱/۲)
- آدم برای کسی که مظلوم است گریه می‌کند و یکی از کسانی که باید برایش گریه کرد، خودش است، یعنی باید به حال خودش گریه کند. بعضی‌ها در مناجات‌ها و توبه‌های خودشان اصرار دارند خدا را راضی کنند ولی به حال خودشان گریه نمی‌کنند. البته همین هم خوب است ولی خداوند آن وقتی بنده‌اش را بیشتر تحویل می‌گیرد که بنشیند و به حال خودش گریه کند و اعتراف کند که خودش را ضایع و تباه کرده است. در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: «خدایا من عمر خودم را در بی توجهی نسبت به تو فنا کردم و

ایام جوانی خود را در دوری از تو سپری کردم؛ وَ قَدْ أَفْتَيْتُ عُمْرِي فِي سَرِّهِ السَّهْوِ عَنكَ وَ أَبْلَيْتُ شِبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ» (اقبال الاعمال/ ۶۸۶/۲)

اگر اهل اعتراف به بدی‌های خود نباشیم، کم‌کم بدی‌های ما از دید خودمان هم پنهان می‌شود

• آدم اگر اهل اعتراف کردن به بدی‌های خودش باشد کم‌کم عیب‌های خودش را می‌بیند، اما اگر اهل اعتراف کردن به بدی‌های خودش نباشد یک فرآیندی اتفاق می‌افتد که باعث می‌شود کم‌کم خودش از خودش هم پنهان شود و خودش را فقط آن طوری که تمایل دارد می‌بیند نه آن طوری که هست؛ یعنی حقیقت خودش را نمی‌بیند و به عیوب خودش نگاه نمی‌کند.

• اگر انسان عیب‌های خودش را ببیند بنا نیست خودش به تنهایی آنها را برطرف کند بلکه این خداوند است که در صورت جدیت انسان، عیوب او را برطرف می‌کند. کافی است که انسان نفس خودش را مذمت کند و به عیوب خودش اعتراف کرده و مدام استغفار و تمنا و توسل کند و در کنار اینها یک مقدار هم مراقبت از نفس داشته باشد. بقیه کارها را خدا درست می‌کند.

آن چیزی که مراقبت از نفس را برای ما سخت می‌کند، انکار کردن بدی‌ها و عیوب نفس توسط خودمان است/ کسی که می‌خواهد خودش را بشناسد باید با خودش رو راست باشد و چیزی را از خودش پنهان نکند

• فکر نکنید که مراقبت کردن از نفس در برابر بدی‌ها کار بسیار پیچیده و سختی است. کافی است یک چیزهایی را رعایت کنیم؛ شبیه رعایت کردن مقررات راهنمایی رانندگی. اصلاً خداوند از ما کار پیچیده نمی‌خواهد و در قرآن کریم می‌فرماید: «خدا برای شما آسانی و سهولت را خواسته و دشواری نخواست است؛ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵) آن چیزی که مراقبت از نفس را برای ما سخت می‌کند، انکار کردن بدی‌ها و عیوب نفس توسط خودمان است. لذا پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بیشترین چیزی که بر امت خودم می‌ترسم شهوت پنهان و .. است؛ إِنَّ أَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْذِي هَذِهِ الْمَكَاسِبِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْوَةِ الْخَفِيَّةِ وَ الرَّبَا» (کافی/ ۱۲۴/۵)

• لااقل چیزی را از خودمان و خدای خودمان پنهان نکنیم، اگر خواسته‌های بدی هم داریم آن بدی‌ها را به درگاه خدا اعتراف کنیم و اقرار کنیم که ما این چیزهای بد را می‌خواهیم، شاید خداوند دستی روی سر و دلمان کشید و تغییر و تحولی در ما ایجاد کرد و وضعمان درست شد. اگر می‌خواهیم به خودشناسی یا معرفت نفس برسیم، نباید بدی‌های خودمان را از خودمان پنهان کنیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اینکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند طلب علم بر هر مسلمانی واجب است، منظورشان علم معرفت نفس است؛ الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ حَالٍ سَيِّئٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ مَنْزِلَةٍ رَقِيعَةٍ وَ لِذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ ص طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَيْ عِلْمُ التَّقْوَى وَ الْبَقِيَّةِ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اظْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّبْرِ وَ هُوَ عِلْمٌ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ» (مصباح الشریعه/ص ۱۳) یعنی خودشناسی واجب است و کسی که می‌خواهد خودش را بشناسد باید با خودش رو راست باشد و چیزی را از خودش پنهان نکند؛ یعنی عیوب و بدی‌های خود را انکار نکند و از خودش پنهان نکند.

بعضی‌ها شهوت پنهان خود را پشت مسلمانی کردن‌شان مخفی می‌کنند/ امان از آدم‌های مذهبی‌ای که هوای نفس پنهان دارند و اهل گریه و توبه نیستند

• یکی از گیرهای اساسی و مهمی که بسیاری از ما داریم «هوای نفس پنهان» یا «شهوت پنهان» است. اینکه کسی شهوت پنهان خود را پشت سر مسلمانی کردن خودش مخفی کند، خیلی بد و خطرناک است. امان از انسان‌های متدینی که خودشان را نساخته‌اند و هوای نفس پنهان دارند و بدی‌های خود را انکار کرده یا توجیه می‌کنند. چون اینها عیوب پنهان خود را با آب دعا و توبه شستشو نمی‌دهند و اهل گریه و توبه و اعتراف به گناه نیستند. اگر انسان این اعتراف به بدی‌ها را پیش خودش انجام ندهد، کم‌کم بدی‌هایش روی هم تل انبار می‌شود و تبدیل به بیماری‌های لاعلاج روحی می‌شود. حالا اگر این شخص، در مجموعهٔ بچه‌مذهبی‌ها باشد، همهٔ این بدی‌ها و عیوب تل انبار شدهٔ خود را با پوشش دینی، توجیه خواهد کرد و این خیلی خطرناک است.

• یکی از دلایل ضعف جامعهٔ اسلامی و گروه مسلمانان همین است که بعضی‌ها فقط از نظر عقیدتی مؤمن بشوند و از نظر هویت دینی جزء گروه مسلمانان و گروه اهلبیتی‌ها محسوب شوند و اهل نماز و قرآن هم بشوند، اما به همین اکتفا کنند و دیگر هیچ زحمتی برای خودسازی و مبارزه با نفس نکشند. خدا اینها را ضعیف می‌کند. آن وقت همین‌ها می‌نشینند و می‌گویند: «ما مسلمان‌ها ضعیف هستیم و کفار مدام دارند به ما ظلم می‌کنند!» در حالی که خود اینها اصلاً روی خودشان کار نکرده‌اند و قوی نشده‌اند که بتوانند جلوی این ظلم‌ها را بگیرند؛ فقط آمده‌اند عضو گروه مؤمنان و مسلمان‌ها شده‌اند. باطل که توان ضربه زدن به مؤمنین را ندارد، باطل کجا و ضربه به مؤمنین کجا؟ در حقیقت این ضربه‌ها کار خود خداست که به وسیلهٔ یک یا چند گروه ضعیف باطل صورت می‌گیرد، به این دلیل که گروه مؤمنان حاضر نشده‌اند برای مبارزه با نفس خودشان زحمت بکشند و به همین که عضو گروه مؤمنان باشند، بسنده کرده‌اند؛ این ضربه‌ها برای بیدار کردن و هشیار کردن مؤمنان است.

شهوت پنهان برای امت اسلامی بسیار مهلك بوده و یکی از دلایل ریزش‌هاست

• شهوت پنهان برای امت اسلامی بسیار مهلك و خطرناک است و یکی از دلایل ریزش‌ها نیز همین است. بعضی‌ها را می‌بینید که قبلاً آدم خوبی بوده‌اند اما بعداً سقوط می‌کنند، چون شهوت پنهان داشته‌اند. به عنوان مثال، زبیر با وجود سوابق خوبی که داشت اما به خاطر یک شهوت پنهان (حسادت پنهان) سقوط کرد. او در جریان یک مأموریتی که در زمان رسول خدا (ص) داشت یک حسادتی در قلبش نسبت به علی (ع) ایجاد شد و آن را پنهان کرد تا اینکه در اثر همان حسادت پنهان سقوط کرد. (موسوعهٔ التاريخ الاسلامی، یوسفی غروی/ج ۴/ص ۶۲۰)

• شهوت پنهان فقط منحصر به مسلمانان نیست، غیرمسلمان‌ها و کافران هم می‌توانند شهوت پنهان داشته باشند. بعضی از کافران، کفر خود (عیوب خود) را پشت سر دلایل موجه و منطقی پنهان می‌کنند؛ و چنین کافرانی غالباً انسان‌های خیلی رذل و خبیث هم هستند. به عنوان مثال برخی از کافرانی که کفر خود را پشت سر دلایل موجه پنهان می‌کنند، می‌گویند: «ما به خاطر حقوق بشر با اسلام مخالفت می‌کنیم» در حالی که دروغ می‌گویند. اینها مشکل‌شان جای دیگری است، مثلاً پذیرش اسلام، دینداری، و عبادت برایشان سخت است یا اینکه نسبت به مؤمنین حسادت می‌کنند اما واقعیت را نمی‌گویند و در عوض سعی می‌کنند با بهانه‌تراشی و

آوردن دلایل منطقی و فلسفی، اسلام را از چشم‌ها بیاندازند. اینها هم دارند پنهان کاری می‌کنند. اینها اسیر شهوات و هوای نفس خودشان هستند ولی صداقت ندارند و بدی‌های خود را توجیه می‌کنند.

امروزه در دانشگاه‌های غربی در حوزه علوم انسانی، تئوری‌های بسیاری طراحی شده است تا نظام سلطه و زندگی غلط در غرب را توجیه کنند؛ یعنی سعی می‌کنند آدم‌ها را توجیه کنند که برده شدن در مقابل نظام سلطه را بپذیرند. اینها هم از جلوه‌های عدم صداقت آنهاست. همین شهوات پنهانی وجود دارد که از درون آنها فمینیسم و بحث‌های حقوق بشری و برخی قوانین حقوقی در می‌آید.

مهمترین راه برای رهایی از شهوات پنهان اعتراف مکرر به آنها در خانه خداست/ ما نیاز به یک نوع صداقت

عمیق داریم تا دچار شهوت پنهان نشویم

- کسی که دچار شهوت پنهان است و می‌خواهد خودش را نجات دهد، باید با اعتراف مکرر به گناه و ضعف‌های و عیوب خودش به درگاه خداوند متعال، خودش را نجات دهد؛ این مهمترین راه برای رهایی از شهوات پنهان است.
- علت شهوت پنهان، زرننگ‌بازی و فریب‌کاری نفس انسان است، به حدی که گاهی نمی‌خواهد پیش خداوند به این شهوات اعتراف پنهان کند و گاهی نمی‌خواهد پیش خودش به آنها اعتراف کند. این نکته خیلی مهم است که ما نیاز به یک نوع صداقت عمیق داریم تا دچار شهوت پنهان نشویم و الا انسان موجود توجیه‌گری است و می‌خواهد زرننگ‌بازی در بیاورد و سر خودش و دیگران را کلاه بگذارد، و این اختصاص به افراد مذهبی هم ندارد، غیرمذهبی‌ها و کافران هم این‌گونه هستند. همه باید روی خودشان کار کنند تا بدی‌های پنهان نداشته باشند؛ البته نمی‌گوییم کسی نباید بدی داشته باشد، بلکه می‌گوییم کسی نباید بدی پنهان داشته باشد، یعنی بدی‌های خود را پنهان نکند و انکار نکند و پیش خودش و در خانه خدا به آنها اقرار کند.

از کجا بفهمیم که شهوت پنهان داریم؟ / از روی آثار شهوات پنهان: عصبانی شدن‌های بی‌خود یا بیش از

حد، منفی‌بافی، غم و اندوه بی‌جا

- حالا از کجا بفهمیم که شهوت پنهان داریم؟ از روی آثار شهوات پنهان خودمان می‌توانیم به وجود آنها در خودمان پی ببریم. مثلاً یکی از آثار بدی‌های پنهان، عصبانی شدن‌های بی‌خود است. بعضی‌ها سر یک چیزهایی، زیادی عصبانی می‌شوند (بیش از حد عصبانی می‌شوند) مثلاً کسی یک کاری می‌کند که شما خیلی عصبانی می‌شوید و به هم می‌ریزید، در حالی که واقعاً آن کار نباید شما را این‌قدر عصبانی می‌کرد. در برخی از این مواقع باید بفهمید که ایراد شما از یک جای دیگری است. باید ببینید کدام شهوت برآورده نشده شماست که باعث عصبانیت شما شده؛ خواسته پنهانی که نمی‌توانید به کسی بگویید و حتی پیش خودتان هم حاضر نیستید به آن اعتراف کنید ولی برآورده نشدن آن دوست‌داشتنی پنهان، شما را به شدت عصبانی و ناراحت کرده است.
- یکی دیگر از آثار شهوات پنهان این است که آدم منفی‌باف می‌شود. مثلاً بعضی‌ها همه‌چیز را به اوضاع و احوال مملکت ربط می‌دهند و مدام منفی‌بافی می‌کنند. به عنوان مثال وقتی می‌بینند که یک کسی از چراغ قرمز رد شده، شروع به سیاهنمایی اوضاع مملکت می‌کنند و همه نظام را زیر سؤال می‌برند فقط به خاطر اینکه یک نفر از چراغ قرمز عبور کرده است!
- برخی از منفی‌بافی‌ها ناشی از حسادت است. مثلاً اگر شما نسبت به کسی حسادت داشته باشید، عیوب او را بیشتر می‌بینید و اگر حسادت خود را پنهان کرده باشید، نمی‌توانید تشخیص دهید که این منفی‌بافی شما ناشی از حسادت است.

• یکی دیگر از آثار شهوات پنهان غم و اندوه بی‌جا و بی‌مورد است. این غم و اندوه در اثر به دست نیامدن و نرسیدن به دوست‌داشتنی‌هایی است که انسان حتی رویش نمی‌شود بگوید من این چیزها را دوست دارم. انسان در اثر نرسیدن به شهوات پنهان، گاهی دلش می‌گیرد و غصه می‌خورد ولی نمی‌داند مشکلش از کجاست. حتی ممکن است در اثر این غصه خوردن‌ها، کم‌کم افسرده بشود.

• دقت کنید که: «گاهی اوقات» غضب بی‌جا یا عصبانیت شدید ناشی از شهوات پنهان است، نه همیشه. یعنی این خشم و غضب، دلایل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد لذا می‌گوییم «گاهی اوقات». مثلاً ممکن است عصبانیت و غضب بی‌مورد، ناشی از عوامل جسمی و فیزیولوژیکی انسان، یا شرایط محیطی زندگی و یا خصوصیات ژنتیک باشد. مثلاً بعضی‌ها به صورت ژنتیکی آستانه تحمل‌شان پایین است. اگر این موارد را کنار بگذاریم، در اغلب موارد می‌توان گفت عصبانیت بی‌جا و بیش از حد، ناشی از شهوات پنهان است. اگر انسان شهوات پنهان خود را ببیند و برای خودش حل کند و بین خودش و خدای خودش در میان بگذارد، خیلی راحت‌تر می‌تواند با ناملایمات و بحران‌های مختلف روبرو شود.

شهوت پنهان یعنی نفس ما قانع نشده است که از خواسته‌های بدش دل بکند

- نفس انسان خواسته‌های متنوع و زیادی از او دارد و برای اینکه به همه خواسته‌هایش نرسیده است ناراحت است، لذا سعی می‌کند این ناراحتی خود را یک‌جور دیگری بروز بدهد. ما نباید بگذاریم که نفس‌مان ناراحتی‌های ناشی از ناکامی در برآورده شدن خواسته‌هایش را یک‌جور دیگری (مثل عصبانیت بی‌مورد، غم و اندوه بی‌جا و ...) بروز بدهد. باید نفس خود را قانع کنیم که به این خواسته‌هایش نخواستند رسید و باید از آنها دل بکنند. شهوت پنهان یعنی نفس ما قانع نشده است که از آن خواسته‌های بدش دل بکند، لذا مدام دارد نقشه می‌کشد و تلاش می‌کند تا از یک طریقی به آن خواسته‌های بد و پنهانش برسد. حالا دلی که این‌طور باشد، آیا به دنبال خدا خواهد رفت؟! این دل اصلاً جایی برای خدا ندارد.

• اگر در ابتدای این بحث تأکید می‌کردیم که هر کسی باید فلسفه رنج کشیدن در این دنیا را برای خودش حل کند (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِی كَبَدٍ/ ۴)، به خاطر این بود که پذیرش این مسأله موجب می‌شود جلوی شهوات پنهان ما گرفته شود. باید مدام به خودمان بگوییم که در این دنیا نمی‌شود به همه خواسته‌هایت بررسی لذا بی‌خود روی خواسته‌هایت پافشاری نکن و در خانه خدا به خواسته‌های پنهانی نفس خودت اعتراف کن. اگر این مسأله را برای خودمان حل کنیم دیگر بر روی برخی از دوست‌داشتنی‌های خودمان اصرار نخواهیم داشت.

• یک روایت بسیار جالب درباره شهوت پنهان این است که رسول خدا(ص) می‌فرماید: «اگر کسی دوست داشته باشد فردا زندگی کند، یعنی دوست دارد همیشه زندگی کند؛ مَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يُعِيشَ غَدًا فَإِنَّهُ يَأْمُلُ أَنْ يُعِيشَ أَبَدًا» (کنزالفوائد/ ۶۲/۱) اما اگر از چنین کسی پرسید که آیا دوست داری همیشه زندگی کنی؟ او می‌گوید: نه! در صورتی که واقعاً این خواسته را دارد ولی آن را پنهان کرده است و حتی خودش هم نمی‌داند که این خواسته را دارد.

یکی از مهمترین عوامل پنهان شدن هوای نفس، اصرار به بدی و گناه است/ کسی که بدی خود را پنهان

می‌کند یعنی اصرار بر نگاه داشتن آن بدی دارد

- یکی از مهمترین عوامل پنهان شدن هوای نفس و شهوات در وجود انسان، اصرار بر بدی و گناه است. اگر کسی اهل پنهان کردن بدی‌هایش نباشد یکی از لوازش این است که بر آن بدی‌ها اصرار ندارد. استغفار و توبه، اصرار بر گناه را از بین می‌برد. کسی که بدی خود را پنهان می‌کند و آن را انکار می‌کند معنایش این است که اصرار بر نگاه داشتن آن بدی دارد.
- اگر روی برخی از دوست‌داشتنی‌های پنهان خودت زیادی اصرار داشته باشی، به یک شهوت پنهان یا هوای نفس پنهان تبدیل می‌شود که بقیه زندگی تو را به هم می‌ریزد و نمی‌توانی بفهمی که چرا زندگی‌ات به هم خورده است.
- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «بزرگترین گناهان نزد خداوند گناهی است که صاحبش روی آن اصرار داشته باشد؛ أَكْثَمُ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ ذَنْبُ أَصْرٍ عَلَيْهِ غَايِلُهُ» (غررالحکم/ ۲۰۱) متأسفانه نگاه عموم مردم به بزرگ بودن گناه، این‌طوری نیست، یعنی گناه را به خاطر حجم جنایتش بزرگ می‌دانند ولی طبق فرمایش امیرالمؤمنین (ع) باید این نگاه تغییر پیدا کند. اصرار نداشتن روی گناه به چیست؟ به این است که توبه و استغفار کنیم و به درگاه خدا اعتراف کنیم که «من این مشکل را دارم» و از خدا برای رفع آن کمک بگیریم. اگر به گناه خود اعتراف نکنیم و آن را پنهان کنیم معنایش این است که بر گناه خودمان اصرار داریم.
- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «چهار چیز در گناه هست که بدتر از خود گناه است؛ گناه را کوچک شمردن، به آن گناه افتخار کردن، همدیگر را به گناه بشارت دادن، اصرار داشتن به گناه؛ أَرْبَعَةٌ فِي الذَّنْبِ شَرٌّ مِنَ الذَّنْبِ الْإِسْتِحْقَارُ وَ الْإِفْتِخَارُ وَ الْإِسْتِشَارُ وَ الْإِصْرَارُ» (مستدرک الوسائل/ ۱۱/ ۳۴۹) این چهار مورد از خود گناه هم بدتر هستند.

امام باقر(ع): اصرار بر گناه این است که کسی گناه کند ولی استغفار نکند و پیش خودش هم نگوید که من

باید توبه کنم

- امام محمد باقر(ع) ضمن بیان این آیه شریفه که می‌فرماید «چه کسی جز خداوند گناهان را می‌بخشد؟ گناهان کسانی را می‌بخشد که اصرار بر گناه ندارند؛ وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا» (آل عمران/ ۱۲۵) در تعریف اصرار می‌فرماید: «اصرار این است که بنده، گناه کند ولی استغفار نکند و پیش خودش هم نگوید که من (اشتباه کرده‌ام و) باید توبه کنم؛ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ قَالَ الْإِصْرَارُ أَنْ يُذَيَّبَ الْعَبْدُ وَ لَا يَسْتَعْفِرَ وَ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِالنُّوبَةِ فَذَلِكَ الْإِصْرَارُ» (تفسیر عیاشی/ ۱/ ۱۹۸) گاهی اوقات ما غیبت می‌کنیم ولی بدش نمی‌گوییم که ما اشتباه کرده‌ایم و باید توبه کنیم، بلکه گناه خودمان را توجیه می‌کنیم و می‌گوییم: «آن کسی که غیبتش را کردم، حشش همین است، من کار درستی کردم...» همین می‌شود اصرار به گناه.

- امام رضا(ع) می‌فرماید: «گناهان کوچک راهی به سوی گناهان بزرگ هستند، و کسی که در کم از خدا ترسد در زیاد هم از خدا نمی‌ترسد؛ الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طَرُقُ إِلَى الْكَبَائِرِ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ» (عیون اخبار الرضا(ع)/ ۱۸۰/۲) کسی که در گناهان کوچک از خدا ترسد در گناهان بزرگ هم از خدا نخواهد ترسید و هر جنایتی از او برمی‌آید. اگر کسی نمی‌خواهد به این مرحله برسد، باید از گناهان کوچک خودش هم استغفار کند و نگذارد کارش به آن جاها برسد.

اصرار بر گناهان کوچک انسان را از ولایت اهل‌بیت(ع) خارج کرده و وارد پذیرش ولایت دشمنان اهل‌بیت(ع)

می‌کند

- امام زین العابدین(ع) می‌فرماید: «ترسید از گناهانی که کم (کوچک) هستند اما صاحبش بر آن گناه اصرار دارد، چون اصرار بر گناهان کوچک آدم را به خروج از ولایت اهل‌بیت(ع) می‌کشاند و وارد پذیرش ولایت دشمنان اهل‌بیت(ع) می‌کند؛ إِيَّاكُمْ وَ الذُّنُوبَ الَّتِي قَلَّ مَا أَسْرَ عَلَيَّهَا صَاحِبُهَا إِلَّا أَذَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ - الْمُؤَدَى إِلَى الْخُرُوجِ عَنْ وَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْمَلِيكَيْنِ مِنْ آلِهِمَا وَ الْأَخْوَالِ فِي مَوْلَاةٍ أَعْدَائِهِمَا» (مستدرک الوسائل/ ۱۲/ ۱۰۱)
- پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «هیچ چیزی از بدی را کم نشمارید حتی اگر در چشمان شما کوچک به نظر برسد... هیچ گناه کوچکی با اصرار، دیگر کوچک نیست؛ لَا تُحَقِّرُوا شَيْئًا مِنَ الشَّرِّ وَ إِنْ صَغُرَ فِي أَعْيُنِكُمْ... وَ لَا صَغِيرَةً مَعَ الْإِصْرَارِ» (من لایحضره الفقیه/ ۴/ ۱۸۴) **تحقیر و کوچک شمردن گناه و اصرار بر گناه موجب می‌شود کم‌کم بدی‌های ما از چشم ما پنهان بشوند، لذا باید اینها را جلوی چشم خودمان بیاوریم و بین خود و خدای خود در میان بگذاریم و از آنها استغفار کنیم تا پاک بشویم.**

- امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «وقتی گناه را بزرگ شمردی در واقع خدا را بزرگ شمردی، و هر وقت گناه را کوچک شمردی در واقع خدا را کوچک شمردی، و چون حق خداوند هم در گناه کوچک و هم در گناه بزرگ هست، و تو به این حق بی‌احترامی کرده‌ای، و هیچ گناه بزرگی نیست مگر اینکه آن گناه را بزرگ بشمری و خداوند آن را کوچک بشمرد (و راحت ببخشد) و هیچ گناه کوچکی نیست که تو آن را کوچک بشماری و خداوند متعال آن را بزرگ بشمارد؛ إِذَا عَظَّمْتَ الذَّنْبَ فَقَدْ عَظَّمْتَ اللَّهَ وَ إِذَا صَغَّرْتَهُ فَقَدْ صَغَّرْتَ اللَّهَ لِأَنَّ حَقَّهُ فِي الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ مَا مِنْ ذَنْبٍ عَظِيمٍ عَظَّمْتَهُ إِلَّا صَغُرَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا مِنْ صَغِيرٍ صَغَّرْتَهُ إِلَّا عَظُمَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (الجعفریات/ ۲۳۷) وقتی گناه را بزرگ بشماری و آن را یک جنایت خیلی بزرگ بدانی این در واقع احترام تو نسبت به خداوند است.

- **وقتی انسان گناهی مرتکب شود ولی فکر کند کار چندان بدی نکرده است، این آغازی برای پنهان کردن عیوب و بدی‌هایش است.** لذا وقتی به چنین کسانی گفته شود که باید توبه کنید، می‌گویند: از کدام گناه توبه کنم؟! مگر من گناهی مرتکب شده‌ام، مگر من عیبی دارم؟! اینها آدم‌های بیماری هستند که خودشان را سالم می‌دانند. باید سعی کنیم این روحیه بسیار بد را نداشته باشیم که عیوب خود را از خودمان پنهان کنیم، و همیشه نسبت به نفس خودمان گمان بد(سوء ظن نسبت به نفس) داشته باشیم.

